

مشخص نمی تواند حاصلی برای عربستان داشته باشد. بویژه که با خروج تدریجی ایالات متحده از منطقه و تضعیف نقش آفرینی این کشور در معادلات منطقه ای امکان به نتیجه رسیدن رویکرد ریاض به ضعیف ترین سطح ممکن رسیده بود. شکل گیری چنین فضایی که دلیل آن چیزی نبود جز ناکام ماندن سیاست تخصیص در منطقه و از طرف دیگر وقوف به واقعیت قدرت میدانی و دیپلماتیک ایران در منطقه، سبب شد تا ایده کاهش اختلافات و همکاری های درون منطقه ای که از سوی دولت رئیسی دنبال می شد، مورد اعتنای بیشتری از سوی مقام های سعودی قرار گیرد. ایده ای که بیش از هر گزاره دیگری، به تحقق منافع ملی هر یک از بازیگران منطقه و تهدیدات مشترک اشاره داشت و تأکید می کرد که سیاست شتابزده تشکیل اتحادیه های نظامی و امنیتی با محوریت بازیگران عربی ذیل رهبری کشورهای غربی، نه تنها امکان تأمین ثبات سیاسی-امنیتی منطقه ای را فراهم نخواهد کرد که به جای آن یک استراتژی بلند مدت، پرهزینه و مخاطره آمیز را به همه کشورهای منطقه تحمیل می کند.

پایان نزاع؛ خلاف منافع جنگ افروزان

چنانکه پیش بینی می شد، قرار گرفتن رابطه ایران و عربستان در مدار پیشرفت، پیامدهای گسترده ای را در مناسبات منطقه ای به دنبال داشت. در یکی از مهم ترین آنها، شکل گیری این توافق، چشم انداز دستیابی به صلح در یمن را قوی تر از همیشه کرده و می تواند عامل تسریع کننده ای برای پیشرفت برقراری آتش بس، آغاز گفت و گوهای یمنی-یمنی و تشکیل یک دولت فراگیر به شمار آید. بویژه که جمهوری اسلامی ایران در طول این سالها همواره ذیل پیگیری ابتکار عمل های متوالی با محوریت رفع محاصره، برقراری آتش بس پایدار، ارسال کمک های بشردوستانه به یمن و واگذاری حق تعیین سرنوشت به مردم یمن، نقش فعالی در صحنه دیپلماتیک برای حل این بحران از خود نشان داده است. قابل انتظار بود این تحولات پرشتاب خلاف خواسته ها و منافی باشد که ایالات متحده و رژیم صهیونیستی در قبال جنگ یمن دنبال کرده بودند. چه پایان این نزاع پرهزینه و استقبال عربستان از ایده های دیپلماتیک ایران برای فرونشاندن این بحران با سیاست غرب برای فروش تسلیحات به ائتلاف ضد یمنی، غارت منابع نفتی یمنی ها و تأمین منافع رژیم صهیونیستی در مغایرت قرار داشت. بنابراین جای تعجب نبود که وقتی پیش از آن، مردم یمن، انصارالله را نماینده خود در صحنه گفت و گوهای بین المللی معرفی کرده بودند و مذاکرات صلح نیز با محوریت این انتخاب یمنی ها برگزار می شد، کشورهای غربی و در رأس آن ایالات متحده به بهانه مقابله با انصارالله، بر وسعت تحریم ها و حمایت های نظامی خود جهت جلوگیری از خاموش شدن آتش جنگ می افزودند تا مانع از به ثمر رسیدن مذاکرات صلح در این کشور شوند. افزون بر اینها موج تحولات سازنده به دیگر مناسبات کشورهای عربی با ایران نیز تسری پیدا کرده است.

استقبال گسترده کشورهای عربی برای افزودن بر سطح مناسبات دیپلماتیک با تهران کار را به جایی رسانده است که پایتخت های عربی پای مواضع جمهوری اسلامی درباره طرح همکاری درون منطقه ای بنشینند و به راهکار همکاری آن امید ببندند.



توافق تهران و ریاض نقطه عزیمت صلح پایدار در خاورمیانه

منطقه

بی تردید شکسته شدن قفل رابطه بحرانی ایران و عربستان سعودی پس از ۷ سال، در زمره مهم ترین تحولاتی به شمار می آید که در امتداد سیاست خارجی منطقه ای دولت سیزدهم رقم خورد. در پی مذاکرات محرمانه ایران و عربستان که در روزهای پایانی سال گذشته به میزبانی چین برگزار شد، صدور یک بیانیه تفاهم از توافق جمهوری اسلامی و عربستان سعودی برای از سرگیری روابط دو جانبه و آغاز به کار دوباره سفارتخانه های دو کشور خبر داد. تنها چند روز پس از آن بود که «ملک سلمان»، پادشاه عربستان برای رئیسی کارت دعوت فرستاد که چند روز پس از آن، مقام های کشور در اقدامی مشابه، پادشاه سعودی را برای سفر به تهران دعوت کردند. به دنبال این تحولات، دیدار تاریخی امیر عبداللهمیان و «بن فرحان»، وزیر خارجه ایران و عربستان در ۱۶ فروردین ماه سال جاری رقم خورد که دو مقام ایرانی و سعودی در پایان آن بر از سرگیری روابط دو جانبه، گام های اجرایی در مسیر بازگشایی سفارتخانه ها و سرکنسولگری های دو کشور تأکید کردند. این دیدار و توافقات شکل گرفته در ماه های پس از آن نیز به تعیین سفرای دو کشور، بازگشایی سفارت ایران در «ریاض» و نمایندگی کنسولی در «جده»، تعیین سفیر سعودی در تهران و آغاز به کار نمایندگی سعودی در مشهد منتهی شد.

مذاکره کار را در پکن تمام کرده و برای از سرگیری رابطه توافق کردند.

وقوف به یک واقعیت مهم

به نظر می رسد ناکامی هایی که بازیگران عربی در روند صف بندی های موهوم منطقه ای علیه ایران با آن رو به رو شده بودند، در کنار شکست بزرگی که در جنگ یمن حاصل شده بود، مقدمات تجدید نظر حاکمان سعودی را در سیاست منطقه ای خود نسبت به جمهوری اسلامی فراهم کرد و آنها را به این نتیجه رساند که این جدال های فرسایشی بیشتر از یک سطح

کلید توافق

کلید این توافق و تحولات پس از آن را باید در سفری جست و جو کرد که آیت الله رئیسی یک ماه پیش از آن، به چین صورت داده بود؛ جایی که مقام های پکن درخواست حاکمان سعودی برای میانجیگری جهت گره گشایی از رابطه پرتنش تهران و ریاض را اجابت کرده و از فرصت حضور رئیسی در این سفر برای حل اختلافات ایران و عربستان بهره بردند.

پس از نهایی شدن دستور کار مذاکرات تهران و ریاض در جریان سفر رئیسی به پکن بود که فرستادگان ایران و عربستان با انجام ششمین دور



جمهوری اسلامی
ایران در طول این
سالها همواره
ذیل پیگیری
ابتکار عمل های
متوالی با محوریت
رفع محاصره،
برقراری آتش بس
پایدار، ارسال
کمک های
بشردوستانه به
یمن و واگذاری حق
تعیین سرنوشت به
مردم یمن، نقش
فعال در صحنه
دیپلماتیک برای
حل این بحران از
خود نشان
داده است

